



## پیشران‌های دینی دستیابی به اقتدار دفاعی در نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای

محمدتقی رکنی لموکی / استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق 

rokni44@yahoo.com  orcid.org/0000-0001-9262-6067

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸

### چکیده

شکوفایی و سربلندی هر کشور ارتباط وثیقی با اقتدار دفاعی آن در عرصه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد؛ زیرا «اقتدار» عنصر اصلی بازدارندگی در مقابل تهدیدهای دشمن است. اما سؤال اساسی آن است که از نگاه دین، پیشران‌های دستیابی به چنین اقتداری چیست؟ پژوهش برای پاسخ به این سؤال بنیادین، ضروری است. نوشتار حاضر با ابزار کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و با روش «توصیف و تحلیل داده‌ها»، هفت پیشران یا عامل تأثیرگذار برگرفته از آموزه‌های دین را برای دستیابی به اقتدار دفاعی نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای معرفی نموده و نتیجه گرفته که در محور نظری، تقویت معنویت، باور به امدادهای غیبی و تقویت اعتقاد به شکست‌ناپذیری مجاهدان و نیز در محور عملی، تربیت نیروی انسانی توانمند، تهیه تجهیزات کارآمد، نهضت برتری علمی و عقل‌افزایی از عناصر تأثیرگذار در اقتدار دفاعی کشور در عرصه‌های گوناگون است.

**کلیدواژه‌ها:** اقتدار دفاعی، نظام اسلامی، قدرت بازدارندگی، دفاع همه‌جانبه.

در جهان امروز با وجود گسترش قدرت کشورهای سلطه‌جو و در پی آن تجاوز به کشورهای دیگر، خامی است اگر حکومتی فقط به گفتمان دل‌بندد. این مهم از روند تحولات سیاسی و اجتماعی بین‌الملل، به‌ویژه در جنوب غرب آسیا به خوبی آشکار است؛ چنان‌که از مداخله جنگ‌طلبانه و منفعت‌جویانه امریکا، برخی از کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی در کشورهای عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و افغانستان مشاهده می‌شود. با این وصف، اقتدار در عرصه دفاع از کیان کشور، امری بدیهی و غیرقابل انکار می‌نماید. به تعبیر واضح‌تر عقل و دین هر دو حکم می‌کنند کشور اسلامی برای مقابله با قدرت سخت و نرم دشمنان خود، از اقتدار دفاعی کامل برخوردار باشد. *امام خامنه‌ای* قدرت دفاعی را از ارکان اصلی اقتدار کشور معرفی کرده، می‌فرماید:

قدرت دفاعی برای یک کشور حیاتی است، برای اقتدار یک ملت حیاتی است. اگر این قدرت دفاعی را ملت‌ها نداشته باشند، آن کسانی که اهل تجاوز و تعرض و سوءاستفاده و دخالت‌کردن و دست‌اندازی به دیگر کشورها و ملت‌ها هستند - که امروز نمونه‌هایش را دارید در دنیا می‌بینید - امریکا و بعضی از کشورهای دیگر آنها را راحت نمی‌گذارند. اگر قدرت دفاعی در یک کشوری وجود نداشته باشد دیگران آنها را راحت نمی‌گذارند (بیانات رهبر انقلاب در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۳۹۹/۷/۲۱).

معظم‌له در این سخن دو موضوع را قطعی دانسته، نسبت به آنها هشدار می‌دهد:

اول. زنده بودن هر ملتی نیازمند قدرت دفاعی است و بدون اقتدار دفاعی، آن ملت از حیات واقعی و سعادت‌مند بی‌بهره است.

دوم. دشمنی قدرت‌های استکباری تمامی ندارد. آنان هیچ‌گاه ملت‌های ضعیف را راحت نمی‌گذارند، به‌ویژه آنکه اگر آن ملت از نعمت و منابع طبیعی برخوردار باشد.

از این‌رو شناخت راهکارهای دستیابی به اقتدار دفاعی در نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر اندیشه *امام خامنه‌ای* حائز اهمیت است. قدرتمند شدن در مکتب دفاعی اسلام یک راهبرد به‌شمار می‌آید و عقل و آیات قرآن کریم و نیز سخنان بزرگان دین بر آن تأکید می‌ورزند.

با توجه به رهنمودهای قرآن کریم، اقتدار حقیقی تنها از مسیر الهی به‌دست می‌آید و خداوند خاستگاه اقتدار معرفی شده است (کهف: ۳۹). به گفته *امام خامنه‌ای*:

اساساً حیات یک ملت و بالندگی یک ملت وابسته به این است که مؤلفه‌های قدرت و عناصر قدرت را در خود تقویت کند و آنها را در جای لازم و به‌هنگام، مورد بهره‌برداری و استفاده قرار بدهد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۴/۹).

بعد از بیان ضرورت اقتدار دفاعی، سؤال اصلی آن است که پیشران‌های دینی دستیابی به اقتدار دفاعی در نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر اندیشه *امام خامنه‌ای* چیست؟ بر همین اساس پژوهش حاضر کوشیده است عناصر اقتدارآفرین را از درون متون دینی شناسایی و معرفی کند. یافته‌های این پژوهش تقریر و تبیین جدیدی است از نظریه «اقتدار دفاعی» که به‌عنوان نوآوری این تحقیق ارائه شده است.

نکته قابل ذکر آنکه در بررسی، شناسایی و معرفی عناصر اقتدارآفرین، ممکن است عناصری به مراتب بیش از

آنچه در این نوشتار آمده، به دست آید. روشن است که احصا و معرفی همه این عناصر مجالی بس فراتر از این تحقیق می‌طلبد. به همین علت، سعی شده است در مقاله پیش‌رو، عناصری که از اهمیت بیشتری برخوردارند بررسی و سایر عناصر تأثیرگذار در ایجاد قدرت، به تحقیقات وسیع‌تر سپرده شود. علاوه بر این هدف اصلی این پژوهش بسط گفتمان «تزاید قدرت دفاعی» است و این گفتمان‌سازی را دریچه‌ای روبه آینده می‌داند تا اندیشمندان، فرهیختگان و سایر علاقه‌مندان این حوزه مطالعات بیشتری را در این زمینه انجام دهند.

با توجه به تحقیقاتی که درباره پیشینه مقاله «پیشران‌های دینی دستیابی به اقتدار دفاعی در نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر اندیشه امام‌خامنه‌ای» انجام گرفته است، پژوهشی با این عنوان یافت نشد؛ اما پژوهش‌هایی مرتبط با این عنوان به‌دست آمد که در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

- تا کنون چهار همایش با عنوان «تبیین اندیشه دفاعی امام‌خامنه‌ای» از سوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح برگزار شده که مجموعه آثار این چهار همایش در قالب نرم‌افزاری گرد آمده است.

- مقاله «الگوی راهبردی تحکیم و توسعه اقتدار دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران» (رشیدزاده و عشوری، ۱۳۹۰)؛ این مقاله سه ویژگی «مشروعیت»، «نفوذ» و «کارآمدی» برای اقتدار معرفی کرده و کوشیده است به‌منظور ارائه الگوی راهبردی تحکیم و توسعه اقتدار دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران، ضمن شناخت ویژگی‌های سه‌گانه مذکور، سطوح خارجی و داخلی و نیز ابعاد گوناگون اقتدار دفاعی امنیتی را بررسی کند.

- مقاله «تأثیر اقتدار دفاعی بر اقتدار سیاسی از دیدگاه امام‌خامنه‌ای» (کلانتری، ۱۳۹۶)؛ این پژوهش مؤلفه‌های قدرت موشکی و توان نهضتی را به‌عنوان دو بال اقتدار دفاعی که منجر به اقتدار سیاسی می‌گردد، بررسی کرده است. هدف مقاله بیان این نکته است که قدرت موشکی و توان نهضتی ضمن ایجاد اقتدار دفاعی هوشمند، موجب اقتدار سیاسی می‌شود.

- مقاله «سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان» (قیصری و خضری، ۱۳۹۵)؛ هدف این پژوهش بازنمایی خطوط کلی سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران از طریق تحلیل متون سیاست‌های کلان در این حوزه است. این اسناد شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی، و سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه می‌شود. بازدارندگی همه‌جانبه، متعارف و تلفیقی دفاع‌محور با تمرکز بر بسیج مردمی، خودکفایی، توسعه توان موشکی و دفاع دریایی و دفاع مجازی اصول کلی سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

- مقاله «مبانی و اصول دفاعی جمهوری اسلامی ایران از منظر قرآن کریم» (یداللهی، ۱۳۹۹)؛ این مقاله درصدد است با نگاه به آیات قرآن، مبانی و اصول دفاعی جمهوری اسلامی را بررسی کند. نتیجه این بررسی دربرگیرنده ۱۵ مبنای ارزشی دفاع و ۲۰ اصل دفاعی از منظر قرآن کریم است.

اگرچه هریک از پژوهش‌های یادشده به جنبه‌هایی از پژوهش مدنظر در مقاله پیش‌رو همت گمارده‌اند، اما هیچ‌یک از آنها به خواسته‌های مدنظر در این پژوهش نپرداخته‌اند. ازاین‌رو مقاله حاضر در تلاش است به «پیشران‌های دینی دستیابی به اقتدار دفاعی در نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر اندیشه امام‌خامنه‌ای» بپردازد. با این نگاه این تحقیق نسبت به تحقیقات پیشین دارای تفاوت‌های جدی است که امتیاز آن محسوب می‌گردد.

در ادامه چارچوب نظری ذکر می‌شود:

## ۱. بررسی مفاهیم

### ۱-۱. قدرت

واژه «قدرت» از ماده «قَدَرَ» است و در لغت هرگاه برای انسان به کار رود اسمی است برای شکل و هیأتی از انسان که می‌تواند کاری را انجام دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۷). «قدرت» در اصطلاح مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی است که موجب به اطاعت درآوردن فرد یا گروه توسط فرد یا گروه دیگر می‌گردد (عمیدزنجانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۶) به تعبیر دیگر، «قدرت» در اصطلاح نوعی چیره شدن و انگاره تسلط یک اراده بر اراده‌های دیگر است (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۶، ص ۷۳).

چون موضوع این پژوهش تزیاید قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران است، بر این اساس، معنای کاربردی این واژه در مقاله حاضر عبارت است از: «توانایی کشوری برای تأثیرگذاری و یا کنترل رفتار دیگر کشورها». با این تعبیر از «قدرت» اقتدار همه‌جانبه به دست می‌آید که شامل قدرت علمی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن می‌شود. به بیان مقام معظم رهبری «اقتدار همه‌جانبه» این است که یک ملتی از درون بجوشد؛ هم علم راه، هم نظامی‌گری راه، هم سازندگی راه، هم پیشرفت راه، هم عزت بین‌المللی را برای خود کسب کند (بیانات رهبر انقلاب در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۷/۴/۹).

### ۱-۲. دفاع

واژه «دفاع» مصدر از ماده «دفع» و در لغت به معنای «با قوت دور کردن» است (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۱۵)؛ اما در اصطلاح مجموعه اقداماتی است که به‌منظور خنثاسازی، مهار و دفع عوامل زیان‌آور برای حفاظت از چیزی لازم است (قیصری و خضری، ۱۳۹۵).

عوامل زیان‌آوری که باید در مقابل آن به دفاع برخاست، لزوماً نیاز نیست نظامی باشند، بلکه عوامل علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی متخاصم و مانند آن را هم که قصد زیان‌آوری داشته باشند شامل می‌شود. به‌طور طبیعی هر کشوری براساس سیاست طراحی‌شده در آن کشور، دارای سیاست دفاعی است. با این نگاه هرگاه نظام و یا کشوری در صحنه بین‌المللی و یا حتی در سطح ملی خود در معرض تهاجم دشمنان و مخالفان داخلی و خارجی قرار گیرد، به‌ناچار لازم است برای مقابله با این تهاجمات، مبادرت به اتخاذ یک سیاست تدافعی نماید که نظام جمهوری اسلامی نیز از آن مستثنا نیست.

### ۱-۳. پیشران

این واژه که مصوب فرهنگستان ادب و زبان فارسی است، در حوزه آینده‌پژوهی و آینده‌نگری کاربرد دارد و به معنای عوامل تأثیرگذار بر روندها و رویدادها و اقدام‌ها و تصاویری است که ممکن است آینده‌های متمایزی پدید آورند (وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۴۰۱).

## ۲. گونه‌شناسی اقتدار

اقتدار در دفاع از نظام اسلامی دارای گستره وسیعی است و انحصار آن در اقتدار نظامی فرضیه‌ای توجیه‌ناپذیر تلقی می‌گردد. راز آن، این است که دشمنان نظام اسلامی نه تنها در حوزه نظامی، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن با ما در حال تخاصم‌اند؛ چنان‌که مقام معظم رهبری نیز به همین نکته اشاره دارند:

دشمن همه توان خودش را به کار برده برای اینکه شما را نابود کند... شما موشک ماهواره‌بر به فضا پرتاب می‌کنید، ناگهان می‌بینید که در دنیا جنجال درست کرده‌اند. یک کار علمی، یک کار فنی، یک کاری که برای یک کشور لازم و بسیار عادی و معمولی است، وقتی شما انجام می‌دهید، می‌بینید جنجال راه می‌اندازند. اینها نشانه‌های این است که بایستی بیشتر مراقب باشید. پاسخ این برخوردها هم کار قوی و جهادی و حساب‌شده است. پاسخ به این دشمنی‌ها قوی‌تر شدن است. مراد من از «قوی‌تر شدن» فقط در زمینه نظامی و امنیتی نیست - البته در آنجاها باید قوی شد، اما - در زمینه اقتصادی باید قوی بشوید، در زمینه فرهنگی باید قوی بشوید، در زمینه حفظ هویت اسلامی و انقلابی باید روزبه‌روز قوی‌تر و عمیق‌تر بشوید. این پاسخ دشمنی‌های دشمن است (بیانات رهبر انقلاب در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶/۵/۱۲).

با این نگاه می‌توان دریافت که ضرورت اقتدار دفاعی دارای گستره وسیعی است و در هر عرصه‌ای که احساس شود دشمن قصد نفوذ و زیان‌آوری دارد، باید برای مقابله با آن، راهکارهایی برای رسیدن به اقتدار ارائه گردد. با این اوصاف می‌توان دریافت که دستیابی به اقتدار در قدرت دفاعی می‌تواند در عرصه‌های نظامی، علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن ظهور پیدا کند.

## ۳. راهکارهای دستیابی به اقتدار

راهکارهای دستیابی به اقتدار در عرصه‌های گوناگون، همچون نظامی، علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر دو گونه است:

### ۱-۳. عام

مراد راهکارهایی است که به شکل یکسان در تمام عرصه‌ها کاربرد دارد؛ همچون تربیت نیروی توانمند که مختص یک عرصه نیست، بلکه کشور در همه عرصه‌های دفاعی نیاز به نیروی توانمند دارد.

### ۲-۳. خاص

مراد راهکارهایی است که در یک حوزه دفاعی خاص کاربرد دارد. برای نمونه ارائه راهکار برای جلوگیری از ارزش پول ملی، یا افزایش تولید محصولات راهبردی در کشاورزی، امری است که در عرصه دفاع اقتصادی کاربرد دارد. با توجه به دو گونه راهکار - که بدان‌ها اشاره شد - اکنون بیان می‌گردد که رسیدن به راهکارهای خاص در هر عرصه، نیاز به پژوهش عمیق پیرامون آن عرصه دارد که از مجال این نوشتار خارج است. از این‌رو نوشتار حاضر درصدد است راهکارهای عام دستیابی به اقتدار دفاعی را در دو بُعد نظری و عملی بررسی نماید. نکته قابل ذکر آنکه راهکارهای عام معرفی شده در این نوشتار، از نگاه نویسنده همه راهکارها نیست، بلکه

مهم‌ترین آنهاست. نکته دیگر آنکه هدف اصلی نوشتار حاضر گشودن باب گفتمان درباره اقتدار مطلوب است و اینکه آموزه‌های دین کدام راه‌ها را برای رسیدن به چنین اقتداری معرفی کرده‌اند. از این‌رو محتوای مقاله از سنخ مقالات توصیفی - تحلیلی است که ماهیت توصیفی آن پررنگ است.

#### ۴. راهکارهای نظری دستیابی به اقتدار دفاعی

در ادامه برخی از مهم‌ترین راهکارها در حوزه نظری بیان خواهد شد که انجام آن از سوی نظام، منجر به اقتدار دفاعی کشور می‌شود:

##### ۱-۴. تقویت معنویت

یکی از مؤلفه‌های اقتدار در مکتب دفاعی اسلام، تقویت معنویت به مفهوم عام است که می‌تواند شامل ایمان و باور به خدا، معاد و تزکیه نفس و در یک کلام، باور به عالم غیب باشد. تحقق این مؤلفه بدان معناست که نظام اسلامی برای رسیدن به اقتدار بازدارنده، باید مجاهدان خود را در تمام عرصه‌ها به عناصر معنوی مجهز سازد. در این صورت است که عناصر انسانی دفاع و جهاد، اعمال خود را برای رضایت خداوند انجام داده، از هیچ دشمنی واهمه ندارند، به‌گونه‌ای که خود را در انجام مأموریت‌ها مقتدر می‌بینند. بنابراین، اقتدار در این مؤلفه از نوع ایجاد اقتدار در نیروی انسانی و سپس اقتدار نظام اسلامی است.

جهادگران و مدافعان مؤمن، مخلص و کوشا که با سرمایه معنوی و ایمان به غیب و با تمام توان بشری برای حفظ اسلام تلاش می‌کنند، همواره خاضعانه و خاشعانه از خداوند متعال قدرت غلبه بر مشکلات را طلب می‌کنند. چنین اعتقادی و اظهار عجز و درماندگی در آستان قادر مطلق، خود کلید افزایش قدرت و پیروزی بر موانع است؛ زیرا مؤمنان قدرت خداوند را لایزال دانسته، خود را تحت مدد الهی می‌دانند. از این‌رو یکی از حالت‌های مجاهدان خدا در عرصه‌های گوناگون، یاری‌خواهی از خداوند است.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبِّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدَفِينَ» (انفال: ۹)؛ [به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می‌طلبیدید، پس دعای شما را اجابت کرد، که من شما را با هزار فرشته پیاپی یاری خواهم کرد.

کسب اقتدار از طریق ایمان به خدا و آموزه‌های معنوی دین در بسیاری از آیات قرآن بیان شده است؛ چنان‌که خداوند ایمان به خود و کفر به طاغوت را استمساک به عروة‌الوثقی (یعنی دستاویزی استوار و محکم) معرفی کرده است که به انسان قدرت و نیروی فائق آمدن بر موانع و مشکلات را می‌دهد: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۵۶)؛ پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست، چنگ زده، و خداوند شنوای داناست.

به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، «کفر به طاغوت» و «ایمان به خدا» ابزار گرفتن دستگیره محکم دین است تا انسان در مشکلات مادی و معنوی سقوط نکند و به سعادت دنیایی و آخرتی دست یابد. پس دین حافظ انسان‌هاست و خداوند شنوای داناست و هیچ چیز از او پنهان نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۱۶۱).

به تعبیر دقیق‌تر آنچه موجب اقتدار مؤمنان می‌شود رابطه ولایی میان خداوند با مؤمنان است. در آیات متعددی خداوند خود را ولی مؤمنان معرفی می‌نماید و این را سبب قدرت مؤمنان و شکست کفار و مشرکان بیان می‌کند. خداوند با ذکر سنت بودن ذلت و خواری کفار و مشرکان محارب، علت آن را رابطه ولایی خود با بندگان مؤمنان بیان می‌دارد (رضی بهابادی و دیگران، ۱۳۹۹).

قرآن کریم می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد: ۴۷)؛ زیرا خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، ولی کافران را سرپرست [و یاور] نیست. مقام معظم رهبری درباره پیوند اقتدار با معنویت می‌فرماید:

در مقابل زیاده‌خواهی دشمنان، راه نجات تسلیم شدن و عقب‌نشینی کردن نیست. اگر دشمن زورگویی و زورگیری می‌کند، باید در مقابل دشمن ایستاد و پیشرفت کرد. علاج ملت ایران در کسب اقتدار است. این اقتدار فقط به معنای اقتدار نظامی نیست، باید اقتدار علمی، اقتدار اقتصادی به‌دست آورد، قدرت اخلاقی و اجتماعی و بالاتر از همه اینها اقتدار معنوی و روحی - که از اتکال به خداوند متعال برای یک ملت حاصل می‌شود - هم کسب کنیم (پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۱/۱).

معظم‌له سیره پیامبر ﷺ را الگویی مناسب برای همراه کردن اقتدار با معنویت دانسته، می‌فرماید:

همان‌طور که در مباحثه، همه ایمان در مقابل کفر قرار گرفت، امروز همه ایمان در نظام جمهوری اسلامی در مقابل کفر قرار گرفته است، و همان‌طور که معنویت و صفا و اقتدار معنوی پیغمبر اکرم و خانواده‌اش توانست دشمن را از میدان خارج کند، به فضل الهی و به حول و قوه الهی ملت ایران با اقتدار خود و با معنویت خود دشمن را از میدان خارج خواهد کرد (بیانات رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه، ۱۳۹۴/۷/۱۵).

در متون دینی عوامل بسیاری برای تقویت معنویت معرفی شده که «خردگرایی» و «عبادت‌گرایی» از جمله آنهاست. درباره پیوند معنویت با خردگرایی، پیامبر اکرم ﷺ در روایتی به حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ، الْعَقْلُ مَا اكْتَسَبَتْ بِهِ الْجَنَّةُ وَ طَلِبَ بِهِ رِضَى الرَّحْمَنِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۹)؛ یا علی، عقل چیزی است که با آن بهشت و خشنودی خداوند رحمان به‌دست می‌آید.

همچنین امام حسن عسکری رضی الله عنه درباره اهمیت نماز شب که از جمله عبادت‌های تأثیرگذار در کسب معنویت و رسیدن به خداوند تبارک و تعالی است، می‌فرماید: «إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - سَفَرٌ لَا يَدْرُكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۸۰)؛ وصول به خداوند عزوجل سفری است که جز با عبادت در شب حاصل نمی‌شود. مراد از «نماز شب» در این حدیث، عملی است که در آن قیام برای خدا، تهجد برای خدا، دعا و استغفار و تلاوت قرآن و مناجات با خدا و نیز سایر عبادات مدنظر است که جملگی از راه‌های کسب معنویت به‌شمار می‌آیند (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۷۹).

## ۲-۴. باور به امدادهای غیبی و نصرت الهی

یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتدارآفرین باور به امدادهای غیبی و نصرت الهی است. اصطلاح «امدادهای غیبی» به معنای الطاف و دستگیری‌های ویژه‌ای است که موجود مکلف در از گذر عبودیت، مستحق آن می‌شود. امدادهای غیبی را می‌توان به دو گونه فردی و اجتماعی تقسیم کرد (خطیبی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۳۳).

براساس آموزه‌های دینی امدادهای غیبی، تنها شامل مؤمنان و خداجویان می‌شود و کافران و مشرکان از آن بهره‌ای ندارند. از جمله کسانی که از امدادهای غیبی شامل حالشان می‌شود، مجاهدان و مدافعان حریم دین است. کسانی که به غیب ایمان دارند و در مصاف جبهه حق با جبهه باطل، در جبهه حق قرار دارند، از امداد و نصرت الهی برخوردار می‌شوند. به دیگر سخن، امدادهای غیبی همواره مددکار و پشتیبان جبهه حق و پیروان حق است. با این وصف، کسانی که برای دفاع از حریم اسلام در عرصه‌های گوناگون جهاد می‌کنند از عنایت خاص پروردگار برخوردار می‌شوند و همین حقیقت بر اقتدار آنان می‌افزاید.

به تعبیر قرآن کریم، مکر و توطئه دشمنان و نیز فراوانی مشکلات، مجاهدان را مضطرب نمی‌کند و آرامش فکر و روحشان را بر هم نمی‌زند؛ زیرا آنان همواره به لطف و رحمت الهی و امدادهای غیبی امیدوارند: «لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل: ۱۲۷ و ۱۲۸)؛ صبر کن، و صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می‌کنند دل تنگ مدار. در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و [با] کسانی [است] که نیکو کارند.

#### ۱-۲-۴. بسترهای امدادهای غیبی

امداد الهی در بسترهای خاصی پدید می‌آید که برای نمونه در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### ۱-۱-۲-۴. توکل

مجاهد دلیر که در عرصه مهم و پرخطر دفاع از حریم دین الهی پا نهاده، در فرایند فعالیتش ممکن است در موقعیت‌های دشواری قرار گیرد که او را با تهدیدهایی مواجه سازد و افراد یا گروه‌هایی از داخل و خارج برای او مشکلاتی ایجاد نمایند که برای جان، مال و یا موقعیت اجتماعی او خطرآفرین باشد. در این گونه موارد باید از نیروی توکل بر خداوند بهره‌گیری و غیر از آفریدگار آگاه و توانا و حکیم و مهربان از هیچ کس ترس نداشته باشد؛ زیرا عنصر «توکل» انسان مؤمن برخاسته از ایمان راسخ او به امدادهای الهی و اطمینان به درستی راه و هدفش و شوق به پادشاهی‌های زندگانی جاوید آخرت است. البته باید توجه داشت که توکل بر خداوند به معنای کنار نهادن دوراندیشی و احتیاط و دست‌کم گرفتن دشمن و سهل‌انگاری در برابر دشمن نیست.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

نگذارید قدرت درونی ایمان و همت عالی شما را دشمن با ترفندهای خودش از بین ببرد. محکم بایستید، به خدا توکل کنید، و خدای متعال - ان شاء الله - با شماست؛ «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۱۹۴)؛ خدا با اهل تقواست، خدا با اهل حرکت در راه اوست و مجاهدین را - ان شاء الله - نصرت خواهد داد (بیانات رهبر انقلاب در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۸/۷/۲۱).

#### ۲-۱-۲-۴. صبر در راه خدا

قرآن کریم یکی دیگر از بسترهای امدادهای غیبی را صبر در راه خدا معرفی کرده، اعلام می‌دارد کلید فتح و پیروزی و جلب‌کننده امدادهای غیبی «صبر» است: «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُواكُم مِّنْ قَوْرِهِمْ هَذَا بِمُدَّتْكُمْ رِجْمًا بِخَمْسَةِ



أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل عمران: ۱۲۵)؛ آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

تاریخ اسلام نیز شاهد بوده که صبر بر مشکلات و صبر در مقابله با دشمنان، امدادهای غیبی را نصیب مؤمنان کرده است. برای نمونه، قریش شش سال پس از بعثت، رسول خدا ﷺ را با خاندانش از بنی‌هاشم و بنی‌مطلب بن عبدمناف در دره «شعب بن هاشم» محصور ساختند و انواع مصائب را بر رسول اکرم ﷺ و بنی‌هاشم وارد کردند. اما پیامبر ﷺ و پیروانش برای دفاع از دین خدا صبر کردند تا امداد غیبی الهی شامل حالشان شد و عهدنامه‌ای که قریش برای محصور کردن مسلمانان وضع کرده بود، توسط موربان به اذن خداوند خورده شد و مسلمانان از محاصره درآمدند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱).

### ۳-۱-۲-۴. استغاثه و دعا

از دیگر بسترهای امداد غیبی خداوند، طلب یاری و تضرع و دعا به درگاه احدیت است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ آتَىٰ مُدْكُكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال: ۹) [به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می‌طلبیدید. پس دعای شما را اجابت کرد، که من شما را با هزار فرشته پیاپی یاری خواهم کرد.

### ۴-۱-۲-۴. توسل به اولیای خدا

در فرهنگ دینی، توسل به اولیای خدا نیز یکی از راه‌های امدادهای الهی معرفی شده است. «توسل» به معنای واسطه قراردادن اولیاء الله برای جلب توجه خداوند و دریافت کمک از سوی خالق هستی است؛ زیرا اولیای الهی دارای جایگاه ویژه نزد خداوند و صاحب آبرو در دستگاه هستی‌اند. به همین علت مؤمنان امید دارند با توسل به آنان و واسطه قراردادنشان، بتوانند رضایت خداوند را برای امداد جلب نمایند.

خداوند، خود به این‌گونه توسل در قرآن کریم سفارش کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید و در راه خدا جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

از امیرمؤمنان علی ﷺ نیز در تفسیر آیه شریفه «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» نقل شده است که فرمودند: «أَنَا وَسَيْلَتُهُ وَ أَنَا وَوَلَدِي ذُرِّيَّتُهُ» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۷۵)؛ من و فرزندانم و ذریه آنها همان وسیله هستیم.

همچنین حضرت زهرا ﷺ در خطبه معروف خود می‌فرماید: «وَ أَحْمَدُ اللَّهِ الَّذِي لِعِظَمَتِهِ وَ نُورِهِ يَبْتَغَىٰ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ، وَ نَحْنُ وَسَيْلَتُهُ فِي خَلْقِهِ» (جوهری، بی‌تا، ص ۹۸ و ۹۹)؛ خدا را سپاس می‌گویم که به عظمت و نور او تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است به او تقرب می‌جویند. ما (اهل بیت) وسیله خدا در میان خلق او هستیم.

### ۳-۴. تقویت اعتقاد به شکست‌ناپذیری در میدان عمل (باور به احدی‌الحسنین)

یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتدار در مکتب دفاعی اسلام، اعتقاد به «احدی‌الحسنین» (پیروزی یا شهادت) است. با تقویت این باور، مجاهدان و مدافعان اسلام داوطلبانه و مشتاقانه در صحنه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و

مانند آن حاضر می‌شوند و با انگیزه و توان روحی بالا مشغول انجام وظیفه می‌گردند. در سختی‌ها و ناملایمات خم به ابرو نمی‌آورند و برای رضای خدا شجاعانه، با شور و شوق، با ایثار و فداکاری در راه اعتلای نظام اسلامی می‌کوشند. مجاهدان و مدافعان اسلام، خداوند متعال و قدرت بی‌کران او را از عمق جان قبول کرده‌اند. آنان بر این باورند که پیروزی و شکست در دست خداست. پس هرچه را او اراده کند، می‌پذیرند. اما در همان حال می‌دانند که جهاد و دفاع در راه الهی شکست ندارد و قانون الهی حکم می‌کند که حزب خدا همواره بر حزب شیطان پیروز گردد. چه در امر دفاع از اسلام موفق شوند و چه در برخی امور ناکام بمانند، آنان در هر دو حال پیروزند؛ زیرا به وظیفه‌شان تا آخرین لحظه عمل کرده‌اند.

بنابراین، باور به احدی‌الحسینین و در نهایت باور به پیروزی همیشگی خدایاواران که در حزب خدا جای دارند، به معنای آن است که مؤمنان به‌طور عام در صحنه زندگی و مجاهدان و رزمندگان مؤمن به‌طور خاص در عرصه جهاد و دفاع پس از تلاش پیگیر و مخلصانه، هر سرنوشتی را که خداوند متعال برای آنان رقم زند، عین صواب، خیر، موفقیت و بهروزی می‌دانند، هر چند به‌ظاهر، در نظر کسانی که به خداوند متعال ایمان ندارند شکست و ناکامی جلوه کند. برای مؤمنان و مجاهدان راستین، حرکت در صراط مستقیم الهی، به‌کارگیری تمام توان و تلاش مخلصانه در راه تحقق اهدافی که خداوند متعال فراروی آنان نهاده است، اهمیت دارد. اینان نتیجه را کامیابی و پیروزی تلقی می‌کنند و آنگاه خود را شکست خورده و ناکام می‌دانند که در انجام تکلیف کوتاهی بورزند و سستی به خرج بدهند. خداوند درباره باور به احدی‌الحسینین می‌فرماید: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ» (توبه: ۵۲)؛ بگو: آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‌برید؟ درحالی که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به‌دست ما عذابی به شما برساند. پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم.

باور به احدی‌الحسینین فقط در امور نظامی موجب اقتدار و توانمندی روحی و جسمی نمی‌شود، بلکه افزون بر آن در تمام عرصه‌های روبروایی با دشمن و مواجهه با مشکلات، همچون عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن کاربرد دارد. همین مفهوم از آیات دیگر قرآن نیز قابل استنباط است.

همچنین امام صادق علیه السلام خطاب به شیعیان می‌فرماید: «بر شما مژده باد! شما دارای یکی از دو فرجام نیک از جانب خدا هستید: یا این است که زنده هستید تا ببینید آنچه را مایه سربلندی شما باشد؛ خداوند سینه‌های شما را شفا دهد و خشم دل‌هایتان را فرونشاند و شما را بر دشمن خود پیروز گرداند و این همان کلام خدای متعال است: «وَيُشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ يَذْهَبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ» (توبه: ۱۴ و ۱۵)؛ و اگر قبل از آن از دنیا بروید به دینی که خدا برای پیامبرش پسندیده و او را بر آن دین برگزیده از دنیا رفته‌اید و بر همان دین مبعوث می‌شوید» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۴۴).  
 امام خامنه‌ای درباره باور امام خمینی علیه السلام به «احدی‌الحسینین» می‌فرماید:

امام به «احدی‌الحسینین» اعتقاد واقعی داشت؛ «ما لنا احدى الحسينين»، و معتقد بود که اگر کار را برای خدا بکنیم، در ضرر بسته است. اگر کار برای خدا انجام بگیرد، هیچ‌گونه ضرری متوجه و عاید نخواهد شد؛ یا پیشرفت می‌کنیم یا اگر پیشرفت هم نکردیم، کاری را که وظیفه ما بوده است انجام داده‌ایم و در مقابل پروردگار سرفرازیم (بیانات رهبر انقلاب در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام ۱۳۹۷/۳/۱۴).

معظم‌له در جایی دیگر می‌فرماید:

در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. فرمود: «ما لنا احدى الحسينين»؛ یکی از دو بهترین در انتظار ماست: یا در این راه کشته می‌شویم، که این بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه برمی‌داریم و به مقصود می‌رسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضروری وجود ندارد (بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴).

حاصل آنکه باور به احدی‌الحسینین تأثیر شگرفی بر فرهنگ استقامت و اقتدار در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی دارد. چون این باور از مقوله عقیده و اندیشه است، راهکار اثبات و اجرای آن هم از طریق آموزش، تبیین و نشر امور فکری و اندیشه‌ای به دست می‌آید. برای این منظور جامعه هدف می‌تواند مقاطع گوناگون تحصیلی، ادارات، نهادها و نیز مساجد سراسر کشور باشد. همچنین ارائه الگوهای اثرگذار از دوران صدر اسلام و نیز دوران معاصر که به این باور معتقد بودند و خدمات شایانی به اسلام کردند، برای اثبات این عقیده بسیار موثر است.

## ۵. راهکارهای عملی دستیابی به اقتدار دفاعی

### ۱-۵. تربیت نیروی انسانی توانمند

تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه جهادی یکی از مولفه‌های مهم اقتدار هر ملتی است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری در بند هفتم از بخش تدابیر سند الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت، «تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری» را یکی از وظایف این سند بالادستی معرفی می‌نماید (فراخوان رهبر انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷/۷/۲۲).

تربیت نیروی توانمند در چند محور ضروری است:

اول. هر بخش از ارکان نظام اسلامی به نیروی ماهر و متخصص نیاز دارد. به عبارت دیگر تنوع نیازهای کشور در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مانند آن، تنوع نیروها با قابلیت‌های گوناگون در این عرصه‌ها را می‌طلبد. بنابراین، تربیت کمی و کیفی افراد در تخصص‌های گوناگون از اهمیت بسیاری برخوردار است.

دوم. تربیت نیروی ماهر، هیچ‌گاه و در هیچ برهه‌ای از زمان نباید تعطیل شود. به عبارت دیگر با تربیت یک تعداد نیرو در یک مقطع زمانی، نباید تصور شود که همین تعداد نیروی تربیت‌شده تا مدت‌ها برای دفاع از کشور کفایت می‌کند؛ زیرا نیروسازی و آموزش نیروهای جوان برای جایگزینی نیروهای قدیمی، یک ضرورت همیشگی است.

سوم. برای تربیت نیروی انسانی، دو عنصر «تعهد» و «تخصص» باید در کنار هم در نظر گرفته شود؛ زیرا در بسیاری از مواقع افرادی با توانمندی و تخصص بالا تربیت می‌شوند، اما در عمل ناکارآمدند؛ زیرا تعهد دینی - انقلابی ندارند. به همین علت/مام‌خامنه‌ای در سند «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» (که بدان اشاره شد) از دو ویژگی «مسئولیت‌پذیری» و «روحیه جهادی» در کنار «توانمندی» و «اخلاقیت» یاد می‌کند.

قرآن کریم نیز همین دو ویژگی را در به‌کارگیری نیروی کارآمد شرط می‌داند: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ یکی از آن دو [دختر] گفت: ای پدر، او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی است که استخدام می‌کنی: هم نیرومند [و هم] درخور اعتماد است.

در جمله کوتاهی که در آیه فوق از زبان دختر حضرت شعیب علیه السلام درباره استخدام حضرت موسی علیه السلام آمده است، واژه «قوی» و «امین» اشاره به تخصص و تعهد دارد. روشن است که منظور از «قدرت» تنها قدرت جسمانی نیست، بلکه مراد «قدرت بر انجام مسئولیت» است. همچنین منظور از «امین» تعهد و خداترس بودن است که فرد را امانتدار و حافظ حقوق مردم و نظام اسلامی می‌کند.

بنابراین وقتی گفته می‌شود یک کارگزار نظامی اسلامی باید به‌گونه‌ای تربیت شود که متخصص در حیطه مسئولیتی خود شود، به تعبیر قرآن باید در آن حیطه قدرت و تسلط کافی برای انجام آن مسئولیت را پیدا کند. افزون بر آن، دلسوز و خیرخواه و امین و درستکار هم باشد. با این وصف، برای به‌کارگیری نیروی کارآمد، امانت و پاکی به همان اندازه تخصص لازم و ضروری است. در تفسیر نمونه آمده است:

متخصصان خائن و آگاهان نادرست، همان ضربه را می‌زنند که درستکاران ناآگاه و بی‌اطلاع! اگر بخواهیم کشوری را تخریب کنیم باید کارها را به دست یکی از این دو گروه بسپاریم: مدیران خائن، و پاکان غیرمدیر، و نتیجه هر دو یکی است! منطق اسلام این است که هر کار باید به‌دست افرادی نیرومند و توانا و امین باشد تا نظام جامعه به سامان رسد و اگر در علل زوال حکومت‌ها در طول تاریخ بیندیشیم، می‌بینیم عامل اصلی سپردن کار به دست یکی از دو گروه فوق بوده است. جالب اینکه در برنامه‌های اسلامی در همه جا علم و تقوا در کنار هم قرار دارد؛ مرجع تقلید باید مجتهد و عادل باشد، قاضی و رهبر باید مجتهد و عادل باشد. البته در کنار این دو شرط، شرایط دیگری نیز هست، اما اساس و پایه این دو است: علم و آگاهی، توأم با عدالت و تقوا (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۶۷).

## ۲-۵. تجهیزات کارآمد و روزآمد

یکی دیگر از عوامل اقتدار دفاعی کشور تهیه و آماده‌سازی تجهیزات کارآمد و روزآمد در عرصه‌های گوناگون دفاعی است. براساس اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی و به‌منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد که یکی از وظایف آن بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی است (فتحی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۶۰).

این اصل که به‌عنوان قوانین بالادستی انگاشته می‌شود، به خوبی تصریح می‌کند که امکانات مادی و معنوی کشور باید برای مقابله و دفاع به کار گرفته شود. یکی از بارزترین مصداق‌های مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی، تهیه تجهیزات کارآمد و روزآمد دفاعی کشور در عرصه‌های گوناگون است.

قرآن کریم فرمان می‌دهد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُونَ مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَأَنْتَظِلُّونَ (انفال:

۶۰؛ و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

این آیه به یک اصل حیاتی اسلام در هر عصر و زمانی اشاره دارد: اینکه مسلمانان همواره باید در برابر دشمنان آمادگی لازم را داشته باشند که از جمله مصادیق آمادگی، تهیه تجهیزات کارآمد در مقابله با دشمن است. آیه فوق با عبارت «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» یادآور می‌شود که در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید. این سخن بدان معناست که منتظر نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آنگاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن را داشته باشید. این مفهوم از عبارت «وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (و اسب‌های آماده بسیج کنید) که در ادامه آیه آمده است، به خوبی آشکار می‌شود.

آنچه مسلم است اینکه دستور آمادگی در مقابل دشمنان دین، مختص به یک عصر و زمان نیست، بلکه این آیه از فرامین دائمی قرآن است.

نکته دیگر آنکه واژه «قوه» معنای وسیعی دارد و نه تنها قدرت جنگ نظامی را دربر می‌گیرد، بلکه تمام مصادیق قدرت، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن را نیز شامل می‌شود؛ آنچنان‌که در تفسیر نمونه ذیل آیه فوق، می‌خوانیم:

از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، که آنها نیز در مفهوم «قوه» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد نیز نباید غفلت کرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۲).

در احادیث اسلامی نیز معنای وسیعی برای واژه «قوه» در آیه فوق بیان شده است. برای نمونه امام صادق علیه السلام در حدیثی یکی از معانی واژه «قوه» را «مِنْهُ الْخِصَابُ بِالسَّوَادِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۲۳) دانسته‌اند؛ یعنی رنگ سیاه به موها زدن، تا دشمن چهره رزمندگان اسلام را جوان ببیند و هراسان شود.

بنابراین یکی از مصداق‌های تجهیز در مقابل دشمن، تجهیز با عوامل مؤثر در جنگ روانی است. به عبارت دیگر، این نمونه‌ای از جنگ روانی علیه دشمن است که برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی نباید غفلت کرد، حتی با خضاب کردن چهره و آماده نشان دادن نیروهای خودی، باید خود را مجهز کرد و دشمن را از فکر تهاجم به بلاد اسلامی هراساند.

نکته دیگر آنکه آیه بالا درصدد بیان یک حکم کلی، یعنی لزوم تهیه تجهیزات مقابله با دشمن است که به یک مصداق آن، یعنی تهیه اسب‌های جنگی (وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ) اشاره کرده است. در این آیه تهیه اسب‌های آماده یکی از مصداق‌های تجهیزات کارآمد معرفی شده است. روشن است که ذکر چنین مثالی براساس نیاز دوران صدر اسلام بوده است؛ اما تجهیزات کارآمد در هر دورانی با دوران دیگر متفاوت است و طبق نیاز هر عصری سنجیده می‌شود.

خداوند در ادامه آیه، هدف از تهیه تجهیزات کارآمد و نوین را جنگ‌افروزی ندانسته، بلکه با عبارت «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»، هدف را ترساندن دشمن خدا و دشمن خود معرفی کرده است؛ یعنی اصل بازدارندگی از تهاجم دشمن.

یکی از کارآمدترین مؤلفه‌های ایجاد اقتدار، برتری علمی است. برتری علمی که با یک نهضت و تحول علمی حاصل می‌آید، به معنای دستیابی به علوم و فنون موردنیاز جامعه و خارج شدن از سلطه علمی بیگانگان، بلکه بالاتر از آن، برتر شدن از دشمن در حوزه تولید علم و فناوری است. حاصل این برتری اقتدار و افزایش قدرت دفاعی جامعه اسلامی در مقابله با دشمن است. این مؤلفه برآمده از آموزه‌های دینی است.

از نگاه قرآن ملاک ارزش‌گذاری انسان‌ها تفاوتشان در عالم بودن یا نبودن است. قرآن می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹)؛ بگو: آیا آنان که اهل دانشند با مردم جاهل نادان یکسانند؟ امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز جایگاه طالب علم را همچون مجاهد فی سبیل الله می‌داند: «اللَّشَّاصُ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۲۷)؛ آنکه به جست‌وجوی علم برخیزد همچون مجاهد در راه خداست.

از نگاه دین مبین اسلام یکی از اثرات مهم علم‌آموزی، کسب قدرت مشروع برای صیانت از دین خداست. از این‌رو اسلام پیروان خود را به علم‌افزایی سفارش کرده است تا در سایه آن قدرت یابند. علم قدرت می‌آفریند. آصف‌بن برخیا براساس علمی که داشت، توانست با یک چشم برهم زدن تخت بلقیس پادشاه سبا را نزد حضرت سلیمان حاضر کند؛ چنان‌که در آیه ۴۰ سوره «نمل» به این داستان اشاره شده است.

همچنین خداوند دو ویژگی حضرت طالوت، رهبر برگزیده بنی اسرائیل، را توانایی علمی و جسمی او ذکر می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷)؛ در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده، و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما رجحان بخشیده است.

بنابراین رابطه مستقیمی بین علم و قدرت وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که هرچه بر میزان دانش افزوده شود، بر قدرت و اقتدار نیز افزوده خواهد شد. ابن‌ابی‌الحدید معتزلی حدیثی را به امام علی علیه السلام نسبت می‌دهد که در آن می‌فرماید: «العلم سلطان، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹)؛ دانش سلطنت و قدرت است؛ هر که آن را بیابد با آن فرمانروایی کند و هر که آن را از دست بدهد بر او فرمان برانند.

با این وصف، دانش مایه اقتدار است، ثروت‌آفرین است، قدرت نظامی می‌آفریند، قدرت سیاسی می‌آفریند؛ آن‌گونه که اهمیت تولید علم و فناوری در دنیای امروز به هیچ وجه قابل‌خدشه نیست. هرچه را یک حکومت و یک جامعه به آن نیاز دارد از مجرای علم می‌گذرد. اگر برای امنیت به ابزار دفاعی نیاز است، این نیاز را علم برآورده می‌کند. اگر برای ایجاد آرامش در کشور به رفاه و امکانات رفاهی نیاز است، این علم است که باید برای آن فکری کند. اگر کشوری می‌خواهد در سیاست و روابط بین‌الملل سربلند باشد، با علم باید تقویت شود.

«مرجعیت علمی» موضوعی است که در نظام جمهوری اسلامی بدان توجه خاص شده است؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از بندهای «سیاست‌های کلی نظام» به اصل «تولید علم و فناوری» توجه شده است. برای نمونه در بند اول این سند بالادستی آمده است:

ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵).

با نگاه به آمارهای جهانی نیز این ادعا ثابت می‌شود که رابطه تنگاتنگی بین اقتدار و برتری علمی وجود دارد (رهبر و دیگران، ۱۳۹۵)؛ بدین معنا که کشورهای دارای اقتدار نسبی در تولید و برتری علمی نیز پیشگام هستند. حتی آنجا هم که فساد می‌کنند، به واسطه دانشمندان فاسد و بهره‌گیری از علم بر ضد ملت‌ها فساد می‌کنند. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

مسئله پیشرفت علمی را که بنده سال‌هاست روی آن تکیه می‌کنم، همچنان مورد تکیه است. باز هم عرض می‌کنم: «العلم سلطان»؛ علم اقتدار است، علم قدرت است و باید دنبال علم بود (بیانات رهبر انقلاب در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی، ۱۳۹۹/۲/۲۸).

دشمنان اسلام از یک سو در عرصه علم و فناوری پیشرفت‌های شگرفی کرده‌اند و از سوی دیگر مانع پیشرفت کشورهای زیر سلطه خود و جهان سوم شده‌اند. بی‌شک یکی از مهم‌ترین ابزارهای تسلط کشورهای قدرتمند جهان بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و علوم روز است. *امام خامنه‌ای* چنین می‌فرماید:

امروز کسانی که بر دنیا خدایی می‌کنند، آن دست‌های مرموزی که اختیار منابع عظیم انسانی و مادی دنیا را در دست گرفته‌اند و همه اقیانوس‌ها و همه تنگه‌های حساس دریایی زیر چشمشان است و هر جا می‌خواهند دخالت می‌کنند، با ابزار علم بود که توانستند بشریت را به این خاکستر بنشانند. لذا برای مقابله با کار آنها، علم لازم است (بیانات رهبر انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

*امام خامنه‌ای* مهم‌ترین مؤلفه کسب عزت و نجات از سلطه دشمن را در بیانیه گام دوم، «بهره‌گیری از علم و دانش» می‌داند. ایشان در این بیانیه از «جهاد علمی» و «رستاخیز علمی» سخن به میان می‌آورد. از دیدگاه ایشان کسب دانش مستلزم بهره‌گیری از روحیه و عمل جهادی و جهاد علمی است (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به‌دست گیرد. اکنون در پاسخ به این سؤال که «چگونه به اقتدار علمی دست یابیم؟» برخی راهکارها ارائه می‌شود:

#### ۴-۵. آموزش نسل‌ها

ضرورت علم‌آموزی مختص دوران خاصی نیست. به همین سبب تأکید دین مبین اسلام بر علم‌آموزی مربوط به تمام دوران‌هاست. از این رو برای رسیدن به قدرت باید نسلی پرورش داد که به جای تمایل به ثروت و لذت، بیشتر به علم‌آموزی تمایل پیدا کند. بالا بردن سرانه علم‌جویی، مطالعه و کسب دانش و فنون ضروری جامعه اسلامی رمز اقتدار آن جامعه در تمام زمان‌هاست. بر متولیان فکری و فرهنگی جامعه لازم است که فرهنگ کسب دانش را

گسترش دهند و مردم را متوجه این حقیقت کنند که اگر علم نباشد دستیابی به خواسته‌ها، اعم از قدرت و حتی رفاه و ثروت کار ساده‌ای نیست. بنابراین، دانشجویان، متخصصان و تحصیل کرده‌ها که مهم‌ترین سرمایه‌های علمی هر کشوری هستند، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند تا دشمن آنان را با طمع جذب خود نکند. از این رو توجه به نخبگان همیشه از تأکیدهای مهم امام‌خامنه‌ای بوده است:

ما به مسئولان مرتب سفارش می‌کنیم به نخبگان رسیدگی کنند، اینها سرمایه‌ها و گنجینه‌های کشورند و البته باید به اینها رسیدگی شود (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از دانشجویان، ۱۰/۸/۱۳۸۳).

## ۵-۵. اهتمام به پژوهش تا دستیابی به قله‌های علمی در همه عرصه‌ها

یکی از راهکارهای رسیدن به اقتدار علمی اهتمام و ارج نهادن به دستاوردهای پژوهشی، به‌ویژه در عرصه اختراعات و تولیدات دانش‌بنیان است. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

یک مسئله مهم این است که دستگاه‌های دولتی ما اختراعات و ثبت اختراعات را رصد کنند و خود آنها به سراغ صاحبان اختراعات و نخبگان فکری بروند و از آنها بخواهند که همکاری کنند، کمک کنند، تا آنها بتوانند بیابند در ایجاد یک شرکت دانش‌بنیان در آن بخش موردنظر سهیم شوند (بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۸/۵/۱۳۹۱).

براساس این فرمایش رهبر معظم انقلاب، بر مسئولان حوزه علم و فناوری لازم است رصد، شناسایی، به‌کارگیری و تشویق نخبگان علمی و مخترعان را در دستور کار داشته باشند. بی‌شک جوانان نخبه و نیز تولیدکنندگان علم با حمایت است که شوق بیشتر برای کار و فعالیت علمی پیدا کرده، صنعت دفاعی کشور را تقویت می‌کنند.

امام‌خامنه‌ای در جایی دیگر می‌فرماید:

محیط‌های دانشگاهی، محیط‌های تحقیقاتی و پژوهشی حتماً بایستی به مسئله علم توجه کنند. ضمناً توجه بکنید اینکه من تأکید می‌کنم روی مسئله علم، [برای این است که] علم برای پیشرفت کشور است، علم برای گشایش افق آینده است، علم برای همان چیزی است که من سال‌ها پیش گفتم که پنجاه سال بعد باید ما به جایی برسیم که هر کسی خواست از تازه‌های علمی دنیا بهره ببرد، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ علم با این نیت، با این هدف، آن کسانی هم که در دنیا علم را پیش بردند، کسانی هستند که با این جور هدف‌ها وارد شدند، والا [اینکه] دنبال کار علمی باشیم برای سود شخصی نقد کوتاه‌مدت خودمان، نه؛ این ارزش زیادی ندارد. عمده نگاه کردن به علم با آن نگاه افق‌گشای این‌جوری است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۲۸/۴/۱۳۹۹).

توصیه معظم‌له به داشتن هدف والا برای علم‌آموزی و فعالیت علمی بدان سبب است که معمولاً اهداف شخصی و کوتاه‌مدت نمی‌تواند از مشکلات عمومی و وسیع کشور گره‌ای بگشاید. بنابراین، داشتن افق‌های بلند و اهداف عالی در راستای خدمت به جامعه اسلامی، کارگشاست.

## ۶-۵. جهاد علمی و نهضت نرم‌افزاری

یکی دیگر از راهکارهای اقتدار علمی، جهاد علمی و نهضت نرم‌افزاری در جهت تولید و پیشرفت علم است. امام‌خامنه‌ای می‌فرماید:



ما باید علم را با همه معنای کامل آن به‌عنوان یک جهاد دنبال کنیم. این را من به جوان‌ها، استادان و دانشگاه‌ها می‌گویم. علاوه بر این، علم مجرد و به‌تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنیم به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه کشور. صنعتی که مایه توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست. علمی که به فناوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست. وظیفه دانشگاه‌ها سنگین است. وظیفه آموزش و پرورش سنگین است. وظیفه مراکز تحقیقاتی و مراکز پژوهشی سنگین است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۱/۱).

معظم‌له در جای دیگر می‌فرماید:

اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهشی و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این‌باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش بگیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید! (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

## ۷-۵. عقل‌افزایی یا رشد عقلانیت و حیانی

یکی دیگر از مولفه‌های اقتدار «عقل‌افزایی» یا «رشد عقلانیت و حیانی» در جامعه است. اگرچه این راهکار را می‌توان در قسمت راهکارهای نظری نیز گنجانند، اما به سبب داشتن قابلیت اجرا در مصداق‌های عملی در جامعه، در این قسمت بیان می‌شود.

مراد از «عقل‌افزایی» آن است که با رشد عقلانیتی که متکی به وحی الهی باشد اقتدار جامعه افزایش یابد؛ زیرا افزایش عقلانیت در جامعه به معنای حرکت در مسیر صحیح سعادت و بالندگی به سوی پیشرفت همه‌جانبه برای آن جامعه است، به‌ویژه آنکه این عقلانیت از سوی مبانی و حیانی تأیید شده باشد. عقلانیت متکی بر آموزه‌های و حیانی به انسان حکم می‌کند برای رسیدن به پیشرفت و سعادت، به‌گونه‌ای اقتدار داشته باشد که علاوه بر مایوس کردن دشمنان از دست‌اندازی به کشور، تمام نیازهای درون جامعه با اتکا به توان داخلی بر طرف شود.

از سوی دیگر، جامعه معقول ایده‌ها و آرمان‌های معقول دارد و به واسطه همین آرمان‌های معقول است که به سعادت می‌رسد. اهمیت این موضوع آنگاه آشکار می‌شود که دریا بیم سبب انحطاط و نگون‌بختی بسیاری از امم و جوامع در طول تاریخ، مادی‌گرایی، لذت‌طلبی و مشغول شدن به آرمان‌های جاهلانه و پست بوده است.

قرآن یکی از عناصر سازنده انسان مسلمان و به‌تبع آن، جامعه اسلامی را پرورش عقل و اندیشه می‌داند؛ یعنی انسان به وسیله رشد صحیح عقل و اندیشه خود و بهره‌برداری از آن در جهت نیازهایش، می‌تواند مقتدر شود تا در مقابل تهدیدهای دشمنان، مقاومت کرده، بقای همراه با سعادت خود را تضمین کند. بر همین اساس قرآن کریم در آیات متعددی دستور به تعقل داده و کسانی را که در مدار زندگی تعقل نمی‌کنند، سرزنش کرده است؛ از جمله می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲)؛ بدترین جانوران نزد خداوند، کر و لال‌هایی هستند که تعقل نمی‌کنند.

در فرهنگ قرآنی، مراد از «تعقل» و مفاهیم مشابه آن، عقل نظری نیست؛ زیرا عقل نظری به‌تنهایی نمی‌تواند همه اهداف الهی و نیز مقاصد بلند انسان‌ها را برای بشر نمایان کند. عقل نظری فقط قادر است قوانینی را که سود مادی بشر در آن است، درک و مقرر نماید. گواه این ادعا تکیه مکاتب و جهان‌بینی‌های مادی بر عقل نظری است که برای رسیدن به مقاصد خود، از آن حداکثر مدد را می‌گیرند و به همین علت شاهدیم که این مکاتب با این شیوه خود، در طول تاریخ منشأ بسیاری از تخاصمات و جنگ‌های منفعت‌طلبانه بوده‌اند. این در حالی است که مراد قرآن کریم از گرایش به تعقل، آن عقلی است که با هماهنگی وجدان و فطرت و هدف‌گیری‌های معقول برای حیات معقول فعالیت نموده، راه را برای پیشرفت مادی و معنوی انسان‌ها هموار می‌کند.

آنچه از روایات معصومان علیهم‌السلام نیز برمی‌آید این است که عقل چیزی است که انسان به وسیله آن حق را می‌فهمد و به آن عمل می‌کند. پس در فرهنگ دین، آن که درست درک نمی‌کند، عاقل نیست و کسی که درک می‌کند و عالم است، ولی به علمش عمل نمی‌کند نیز عاقل نیست. هنگامی که خداوند در قرآن کافران را سرزنش می‌کند، به این علت است که آنان تعقل نمی‌کنند و درک صحیحی از حق و حقیقت ندارند، و آنگاه که عالمان بی‌عمل را نکوهش می‌کند، از کاستی و عدم تعقل آنان یاد می‌کند.

برای نمونه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ، وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۵۴)؛ تمام نیکی‌ها به وسیله عقل به‌دست می‌آید. هر کس عقل ندارد دین ندارد.

در حدیث دیگری آمده است: گروهی در محضر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شخصی را ستودند و از همه خصلت‌های نیک او یاد کردند، اما پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدند: «كَيْفَ عَقْلُ الرَّجُلِ؟» عقل آن مرد چگونه است؟ گفتند: ای پیامبر، ما به شما از کوشش او در عبادت و دیگر خوبی‌های او می‌گوییم و شما درباره عقل او از ما می‌پرسی؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پاسخ دادند: مرد احق به سبب حماقت خود، بیش از انسان گناهکار به گناه و نابکاری آلوده می‌گردد. فردای قیامت، درجات بندگان خدا و دستیابی ایشان به قرب پروردگار به اندازه خردهای ایشان است (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۰۹).

مقام معظم رهبری ارتباط مبارزه با دشمن و عقلانیت را اینچنین توضیح می‌دهد:

مبارزه با سلطه هم یکی از وظایف دولت اسلامی است. «نظام سلطه» نظامی است که مثل بختک سنگینی روی بیکر جامعه بشری می‌افتد - و افتاده است - و او را نابود می‌کند و از بین می‌برد. این نظام سلطه دو طرف دارد: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. با این نظام باید مبارزه کرد؛ مبارزه‌اش هم با شمشیر نیست، مبارزه‌اش با عقل، با کار حرفه‌ای سیاسی و با شجاعت در میدان‌های لازم و متناسب خودش است (بیانات رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸).

در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز اهتمام به عنصر «عقلانیت» برای ارتقای سطح کیفی برنامه‌های راهبردی نظام و نیز رسیدن به اهداف و آرمان‌های بلند آن مدنظر قرار گرفته است. برای نمونه، در جای‌جای سند «الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت» که در آن، اهم مبانی و آرمان‌های پیشرفت و افق مطلوب کشور در پنج دهه آینده، ترسیم و تدابیر مؤثر برای دستیابی به آن زیر نظر مقام معظم رهبری طراحی گردیده، بارها از عنصر «عقلانیت» به‌عنوان یکی از پایه‌های کاربردی این سند نام برده شده است؛ چنان‌که در بند «مبانی انسان‌شناختی» این الگو آمده است:

انسان دارای کمال و سعادت اختیاری است که در صورت انتخاب‌های صحیح و در چارچوب تمسک به هدایت الهی و رشد عقلانی می‌تواند به مرتبه نهایی آن واصل شود (فراخوان رهبر انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷/۷/۲۲).

همچنین در این سند ارزشمند آمده است: اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت، و تفصیل آن از طریق کتاب و سنت قابل کشف است (همان). در همین سند بالادستی و در بخش مبانی دین‌شناختی عنصر «عقلانیت» به همراه «وحی آسمانی» از جمله مبانی تحقق تمدن‌سازی و پیشرفت اسلامی دانسته شده است:

خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی مورد تأکید اسلام است و وحی مایه شکوفایی عقل محسوب می‌شود. از این رو تمدن‌سازی و پیشرفت اسلامی افزون بر تکیه بر اصول، ارزش‌ها و تعالیم اسلامی، مبتنی بر عقل و دانش بشری نیز هست (همان).

نکته قابل دقت آنکه در قسمت «تدابیر» این سند، افزون بر تأکید بر گسترش تعلیم و تربیت وحیانی، عقلانی و علمی در درون کشور، بر ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین نیز تأکید کرده است (همان).

## نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد:

- الف. در جهان امروز و با توجه به دشمنی‌های روزافزون کشورهای مخالف نظام جمهوری اسلامی، اقتدار دفاعی این نظام امری ضروری، بلکه یک تکلیف دینی و ملی است.
- ب. نظام جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اقتدار دفاعی همه‌جانبه در عرصه مبانی و اصول، باید به داشته‌های خود (یعنی تعالیم دین مبین اسلام و رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب) اتکا داشته باشد.
- ج. به‌منظور گفتمان‌سازی و نیز ارائه راهکارهای نافع برای دستیابی به اقتدار دفاعی، پیشنهادهاتی در دو بعد نظری و عملی بر مبنای نظرات راهبردی مقام معظم رهبری قابل طرح است.
- د. در بُعد نظری، مهم‌ترین عناصر «اقتدار» و «ترویج تفکرات امیدبخش و پیروزی‌آفرین» (همچون معنویت، باور به امدادهای غیبی، تقویت اعتقاد به احدی‌الحسنین) است.
- ط. در بُعد عملی مهم‌ترین عناصر «تربیت نیروی انسانی مقتدر»، «تهیه تجهیزات کارآمد»، «برپایی نهضت برتری علمی» و «گسترش عقلانیت در جامعه» است.

و. تلاش مجدانه مسئولان و گروه‌های مرجع می‌طلبد تا بر مبنای آموزه‌های دین، در عرصه‌های گوناگون، اقتدار دفاعی کشور را ارتقا دهند. در این زمینه بر محققان و پژوهشگران حوزه دفاعی لازم است تا با مطالعات عمیق، سایر عناصر قدرت دفاعی را بررسی و به جامعه هدف معرفی نمایند.

## منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبد الحمیدبن هبة‌الله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه‌ آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل ابی‌طالب*، قم، علامه.
- بحرانی، هاشم‌بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، بنیاد بعثت.
- بخشایشی اردستانی، احمد، ۱۳۷۶، *اصول علم سیاست*، تهران، آوای نور.
- بیانات رهبر معظم انقلاب، در: [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir)
- بیانیه گام دوم انقلاب*، در: [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir)
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، بی‌تا، *السقیفه و فدک*، تهران، مکتبه نبوی‌ الحدیثه.
- حراعلی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- خطیبی، محمد و دیگران، ۱۳۹۶، *فرهنگ شیعه*، قم، زمزم هدایت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالعلم.
- رشیدزاده، فتح‌الله و ذبیح‌الله عشوری، ۱۳۹۰، «الگوی راهبردی تحکیم و توسعه اقتدار دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات دفاعی استراتژیک*، ش ۴۶، ص ۱۲۱-۱۴۲.
- رضی بهابادی، بی‌بی‌سادات و دیگران، ۱۳۹۹، «مبانی قرآنی عوامل معنوی اقتدار ملی از منظر مقام معظم رهبری»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال هشتم، ش ۱۷، ص ۳۹-۱۱.
- رهبر، فرهاد و دیگران، ۱۳۹۵، «نقش اقتدار و مرجعیت علمی در امنیت و منفعت ملی با نگاه به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال سیزدهم، ش ۴۴، ص ۱۶۷-۱۸۸.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۶، *فقه سیاسی*، تهران، امیرکبیر.
- فتحی، محمد و دیگران (تهیه و تنظیم)، ۱۳۹۷، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده شواری نگهبان.
- قمی، عباس، ۱۴۱۴ق، *سفینه البحار*، قم، اسوه.
- قیصری، نورالله و احسان خضری، ۱۳۹۵، «سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، سال دهم، ش ۳۷، ص ۵۷-۷۴.
- کلانتری، فتح‌الله، ۱۳۹۶، «تأثیر اقتدار دفاعی بر اقتدار سیاسی از دیدگاه امام خامنه‌ای»، *سیاست دفاعی*، سال بیست و پنجم، ش ۹۸، ص ۳۹-۶۱.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show>
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- وبگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، ۱۴۰۱، در: <https://apll.ir>
- یداللهی، رضا، ۱۳۹۹، «مبانی و اصول دفاعی جمهوری اسلامی ایران از منظر قرآن کریم»، *مطالعات دفاعی استراتژیک*، سال هجدهم، ش ۷۹، ص ۳۱۱-۳۳۰.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، بی‌تا، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر.